



بحتهای علم دینی و علوم انسانی اسلامی باید در عمل پاسخگو باشند

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد در مورد علم دینی و علوم انسانی اسلامی گفت: ما نه توانسته ایم مبانی این بحث را نهایی کنیم نه استراتژی اش را مشخص کنیم و نه در عرصه عمل و میدان پاسخی دهیم.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد در مورد علم دینی و علوم انسانی اسلامی گفت: ما نه توانسته ایم مبانی این بحث را نهایی کنیم نه استراتژی اش را مشخص کنیم و نه در عرصه عمل و میدان پاسخی دهیم.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر "علی نصیری" رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه آنهایی که علم را به دینی و غیردینی تقسیم می کنند ریشه و منشأ این تقسیم بندی و فواید و مضرات آن چیست، گفت: بحث رابطه علم و دین که با چالشی جدید از سده هجدهم بعد از نظریه ترانسفورمیسیم چارلز داروین مطرح شد و در محافل دینی شدت یافت و موج این بحث بیشتر متوجه کلیسا بود بعد آرام آرام تحولاتی شد و تطورات علمی جهان غرب که روز به روز خودنمایی کرد و موج آن جهان اسلام را گرفت و عقب افتادگی ها و انحطاط های علمی ای که در محیط ها و طیفهای اجتماعی به ویژه در جهان عرب و شبه قاره دیده می شد پرچمداران و بانیانی را پدید آورد که بیايند تلاش کنند رابطه و تعامل و تعاطی معقول منطقی را با میان مباحث دیگر علمی برقرار کنند.

وی افزود: این موج از دوره مشروطه وارد ایران شد و به ویژه بعد از انقلاب بسیار جدی پی گیری شد. بنابراین این بحث سه تا مرحله اساسی دارد: یکی بسترش در غرب و اروپاست که بیشتر مخاطبش جهان مسیحی بوده، آنجا می گفتند نظریه تکامل داروین زلزله ای در محافل دینی به وجود آورد. بعد در جهان اسلام و جهان عرب، بیشتر از این منظر نگاه کردند؛ چرا ما از سرمایه های دینی خود عقب افتادیم و به آن توجه نکردیم که دین می تواند برای مسائل علمی پاسخ کافی باشد.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: در دوره مشروطه تا عصر انقلاب دیدگاه دیگری افزون بر اینها مطرح شد. دیدگاهی که بویژه در انقلاب به وجود آمد اینکه ما مدعی هستیم دین به همه نیازها و مقتضیات زمان پاسخگوست آنرا چگونه باید محقق و عینی کنیم. شاید بیشترین دغدغه را در این باره شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید مفتح داشتند؛ چهره هایی که هم محیط حوزوی و هم محیط دانشگاهی را دیده بودند، البته مرحوم بازرگان و شریعتی و دیگران را هم می توانیم در این راستا تعریف کنیم.

نصیری اظهارکرد: به گمانم بیشترین حرکتی که در این دوره اتفاق افتاد، تأسیس مرکز حوزه و دانشگاه بود که الان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شده است. بنیاد و پایه تأسیس این مرکز ارتباط برقرار کردن حوزه و دانشگاه با هم بوده است. این بحث اصلی و مهمی را که حالا اسمش را علم دینی می گذاریم علمی که از دین ملهم و برگرفته می شود در واقع پاسخگو نیازهای علمی زمان است. اینها را بتوانیم جواب دهیم. این مقدمه نگاهی بود اجمالی به تاریخچه این بحث.

وی افزود: بعد از اینکه سه دهه از انقلاب گذشته است ضرورت پرداختن به این بحث چه از این منظر که انقلاب نیازمندیهایی دارد و این بحث باید واکاوی و منقح شود در مسئله ای مثل اقتصاد اسلامی که یکی از معضلات جدی جامعه ماست چیست؟؛ پاسخ اسلام به بازار سرمایه، عرضه و تولید چیست؟ مباحثی در عرصه هنر و رسانه و ارتباطات جمعی که از روزی که مسئله موسیقی و نمایش مطرح می شود تا به امروز که بحث نسل سوم تلفنهای همراه مطرح است؛ بحث اشکالاتی که برخی از مراجع به پاسخ دینی آن دارند. این مسئله نشان می دهد قضیه فوق العاده جدی است. مسئله دامنه حضور حکومت در عرصه های مختلف زندگی مردم که در واقع پشتوانه فکری و علمی ای که فقیه و حکومت و ولایت تا چه اندازه می تواند کارایی داشته باشند است.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی یادآورد: مطلب بسیار مهم دیگر، بحث های عوارض علوم انسانی غربی در محیط های علمی و دانشگاهی ما است. اگر پیش از انقلاب می گفتیم حکومت سکولار است و برایش مهم نیست چه بحثی و چه درسی با چه استادی باشد واقعا این توقع چندین برابر شد که پاسخگوی علوم انسانی باشیم. ببینیم چه اندیشه ها و افکاری از زبان و ذهن چه انسان هایی دارد در دانشگاه ها تدریس می شود. این زنگ خطر را رهبری به صدا در آوردند. می خواهم از این زاویه دوم که در این سه دهه مطرح شده چه مقتضیاتی ایجاد شد که مسئله رابطه علم و دین و میزان پاسخگویی دین را باز گوکنم.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد عنوان کرد: از این منظرمی خواهم مطلب را باز کنم که ما چه کردیم. زاویه سومی که می خواهم بیان کنم. می خواهم مقداری واقع بینانه صحبت کنم. به عنوان طلبه ای که کم و بیش در این سی سال تلاشها و زحمات را می بیند و با همه ارج گراری و سیاس و ستایش از تمام تلاشهایی که شده صادقانه می خواهم بگویم که ما 30 سال است فقط این حرفها را تکرار می کنیم. شدیم ملغمه ای که در دهانمان جاری می شود. حالا در قالب هر چیزی که اسمش را می گذاریم سمینار یا همایش یا کنفرانس یا گفتگو بگذارید. این طوری مشکلاتمان حل نمی شود.

نصیری بیان داشت: ما نه توانسته ایم مبانی این بحث را نهایی کنیم نه استراتژی اش را مشخص کنیم و نه در عرصه عمل و میدان پاسخی دهیم. مثالی می زنم همزمان این بحث های علوم انسانی اسلامی بیماریهایی در پزشکی مثل ایدز و یا همین بیماری جدید ایبولا زنگ خطر را به صدا در آورد وقتی که آسیب و آفتی در عرصه ای در حوزه بهداشت و طب و تن پیدا می شود نمی آیند سی سال همین طور بحث کنند که چه کنیم چه نکنیم حالا درست است یا نیست؛ بلکه در عمل راه حلهایی ارائه می دهند. بالاخره تا الان توانستند این بیماری را تا حدی کنترل بکنند. هنوز که هنوز است ما از این مسئله صحبت می کنیم که آیا علم، دینی هست یا نیست؛ چه بکنیم چه نکنیم. آیا علوم انسانی اسلامی داریم یا نداریم. آیا می توان علوم انسانی را از دل اسلام و قرآن بیرون کشید؟ گویا این بحث یک سده هم پایان نمی گیرد خودش لذتی دارد؛ و به قول ما طلبه ها خودش موجهیتی پیدا کرده است، اما زمان این بحثها دیگر گذشته است.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: الان با جامعه ای مواجه هستیم که هر روزش جامعه با چالشهای متعددی روبروست. امروز دانشگاه ما نیازمند علوم انسانی اسلامی است. ما وقتی می گوئیم علوم انسانی اکنون ما ملهم از اسلام نیست مبادی و مبانی اش توحیدی نیست و نگاه موحدانه و دین باورانه ندارد که حرف درستی هم است؛ حالا مرتب بیابیم بگوئیم آیا علوم انسانی را می توان از دل اسلام بیرون کشید یا نمی توانیم. همین طور راجع آن تا روز قیامت بحث کنیم. چه ثمری دارد؟ این که پاسخ این مشکلات نمی شود. بالاخره این استاد دلسوز به انقلاب که به کلاس می رود باید تکلیفش را بداند کدام اقتصاد و علوم اجتماعی و علوم سیاسی را مطرح کند. در بحثهای روانشناسی باید کدامیک از اینها را مطرح کند تا دانشجو را به الحاد نکشاند.

نصیری اظهارکرد: به جایی اینکه بیابیم پاسخ عینی و عملی بدهیم یعنی اندیشمندان و متفکران و مراکز پژوهشی ما تولید فکر و اندیشه کنند سر این مبادی و مبانی مرتب حرف می زنیم. هر سال همایشهای علوم انسانی برگزار می کنیم، دیگر وقت این حرفها گذشته است. اکنون در فضای مجازی و سایتهای می نویسند که مثلا سود بانکی فلان کشور صفر است ولی در ایران 25 درصد است. چرا باید اقتصاد اسلامی این طور باشد. مراجع می گویند نظام اقتصادی ملهم از دین نداریم حالا کسی که مدعی اقتصاد دانی است می گوید می شود از دل اسلام اقتصاد اسلامی بیرون آورد. تا کی این کار انجام می شود.

وی افزود: مشکل اصلی ما این است که در فضای مباحث انتزاعی و گفتمان صرف منطقی و نظری بحث، کاملا مانده ایم. اینکه می توانیم این بحثها را عینی و مجسد و مجسم و عینی کنیم پاسخ دهیم ولی این کار را نکرده ایم. این مسئله بسیار مهم است. یکی از اشکالات اساسی ای که میان صاحب نظران رشته های مختلف است این است که سر رشته داران این مباحث اندیشمندان غربی

هستند. این مسئله مورد نگرانی ماست. باید در مباحث علوم اجتماعی و اقتصاد و روانشناسی اساتید طراز اول آن در دانشگاه ها با کسانی که در حوزه های علمیه تلاش می کنند علوم انسانی اسلامی شود؛ پل ارتباطی بین این دو برقرار شود. هنوز که هنوز است حوزه و دانشگاه هر کدام حرف خود را می زنند. بالاخره اگر می خواهیم مدعی باشیم که مبادی و مبانی این علوم را از اسلام استخراج کنیم و ساختار نظام واحدی به آنها دهیم باید صاحب نظران کنار هم بنشینند و از بحث های انتزاعی محض بیرون بیاییم.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی یادآور شد: پروژه ای را تعریف کنیم که برای مثال 20 اقتصاددان طراز اول با 20 فقیه که در حوزه اقتصاد کار کرده اند جلسه با هم بگذارند و شروع کنند تا واقعا به مرحله عمل برسند. برای مثال از این صدهزار حدیثی که داریم و از آیات گرانسنگ قرآن بتوانیم اقتصاد اسلامی یا روانشناسی اسلامی را بیرون بکشیم. این طور نباشد که مرتب دور خود بگردیم و بحث های انتزاعی کنیم آن وقت نسل کنونی و نسل آینده بر ما معترض می شوند که شما که سلسله جنبان تفکرات اسلامی و دینی بودید چرا پاسخی عملی به اشکالات وارد شده ندادید.